

موضوع به طور کامل پرداخته نشده است.

از جمله شخصیت‌هایی که در طول دوره جنگ تحمیلی و در عرصه مدیریت جنگ نقش مؤثری داشتند، آیت... سیدعلی خامنه‌ای می‌باشد. بی‌گمان ایشان از اولین دقایق شروع جنگ تحمیلی، در سطوح مختلف، نقش‌های مهمی را در عرصه مدیریت جنگ و دفاع مقدس متقبل شدند. نظر به اینکه تشریح نقش و عملکرد ایشان در طول جنگ تحمیلی، از

ظرفیت یک مقاله خارج است؛ لذا در مقاله حاضر کوشیدیم عملکرد ایشان را در طول سال اول جنگ و قبل از دوران ریاست جمهوری ایشان مورد تبیین قرار دهیم.

اولین روز جنگ تحمیلی

آیت... سیدعلی خامنه‌ای با توجه به موقعیت سیاسی و اجتماعی خود و با اعتقاد عملی بالایی که به حفظ تمامیت ارضی کشور و انقلاب اسلامی در مقابل دشمنان آن داشت و همچنین جایگاهی که نزد رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) داشته، از نخستین روز شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به طور عملی وارد عرصه دفاع مقدس گردید و تا آخرین روز جنگ به عنوان یکی از عناصر اصلی تصمیم‌گیری و از ارکان اجرایی و سیاسی در امر مذاکرات سیاست خارجی مربوط به جنگ و پشتیبانی از آن بوده است.

اولین حضور ثبت شده آیت... خامنه‌ای در رابطه با دفاع مقدس، شرکت در اولین جلسه مسئولان سیاسی و نظامی کشور در اتاق فرماندهی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ می‌باشد. این جلسه برای بررسی چگونگی برخورد با تجاوز نظامی عراق به تمامیت ارضی کشور تشکیل شده

بود. در این جلسه علاوه بر ایشان و فرماندهان نظامی، ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا، آیت... بهشتی، هاشمی رفسنجانی، شهید رجایی و آیت... اشراقی داماد امام خمینی (ره) و عده‌ای دیگر نیز حضور داشتند. حجة الاسلام محمد ری شهری، که در آن زمان در سازمان عقیدتی و سیاسی ارتش بوده و در جلسه یادشده نیز شرکت داشته، می‌گوید: وقتی در آن جلسه پیشنهاد شد که یکی از اعضای سابق شورای انقلاب^(۱) برای بررسی وضعیت جنگ از نزدیک به جبهه‌ها برود و در آنجا نظارت داشته باشد، نخستین کسی که این پیشنهاد را پذیرفت، آیت... خامنه‌ای بود. همچنین ایشان اولین اطلاعیه در مورد شروع جنگ را تهیه و از رادیو به اطلاع مردم رسانید. آیت... خامنه‌ای در خاطراتش در این باره می‌گوید: «در یکی از هیجان‌انگیزترین لحظات جنگ، لحظه شروع جنگ و یا به تعبیر درست‌تر، زمانی بود که از حمله تجاوزگرانه عراق مطلع شدیم. همان طور که همه ملت ایران به یاد دارند، جنگ در بعد از ظهر روز سی و یکم شهریور سال ۱۳۵۹ اتفاق افتاد. در آن روز من در کارخانه‌ای نزدیک فرودگاه مهرآباد سخنرانی داشتم و منتظر بودم وقت سخنرانی فرا برسد. ناگهان صدای عجیبی از پنجره‌ها و درها شنیدیم که ناشی از موج انفجار بود. برادران

۱. در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۵۹ پس از گشایش نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در ۷ خرداد ۱۳۵۹ و آمادگی مجلس برای قانون‌گذاری عمر شورای انقلاب به سر آمد.

اقدامات مشترک خود با شهید چمران را چنین بازگو می‌کند: «در آنجا به طور کلی دو نوع کار وجود داشت. در آن ستادی که ما بودیم، مرحوم دکتر چمران فرمانده آن تشکیلات بود و من نیز همان جا مشغول انجام کارهایی بودم. یک نوع از این کارها در خود اهواز بود؛ که عملیات و کارهای چریکی و تنظیم گروه‌های کوچک برای کار در صحنه عملیات بود. البته در اینجاها هم بنده در همان حد توان مشغول بوده‌ام. مرحوم چمران هم با من به اهواز آمد. در یک هواپیما با هم وارد اهواز شدیم. مرحوم چمران داخل همان پادگان لشکر ۹۲ آورده بودند؛ ولی من همراهی نداشتم. محافظینی را

هم که داشتم، همه را مرخص کردم. گفتم: من دیگر به منطقه می‌روم، شما می‌خواهید حفاظت جان مرا بکنید؟! من به مرحوم چمران گفتم: چه طور است من هم لباس بپوشم بیایم؟ گفت: خوب است. بد نیست. گفتم: پس یک دست لباس هم به من بدهید. یک دست لباس سربازی آوردند، پوشیدم همان شب اول

به عملیات رفتیم، شاید دو سه ساعت طول کشید و این در حالی بود که من جنگیدن بلد نبودم، فقط بلد بودم تیراندازی کنم. عملیات جنگی اصلاً بلد نبودم؛ غرض، این یکی از کارهای ما در اهواز بود که عبارت بود از تشکیل گروه‌هایی که به اصطلاح آن روزها برای شکار تانک می‌رفتند.

نوع دوم کار، کارهای مربوط به بیرون اهواز بود؛ از جمله: پشتیبانی خرمشهر و آبادان و بعد، عملیات شکستن حصر آبادان بود که از محمدیه نزدیک دارخوین شروع شد. کار دوم، کمک به اینها و رساندن خمپاره بود. بایستی از ارتش به زور می‌گرفتیم. البته خود ارتشی‌ها هیچ حرفی نداشتند و با کمال میل

پاسداری که با من بودند، بلافاصله بیرون رفتند و خیر آوردند چند هواپیمای شکاری را در آسمان دیده‌اند که روی فرودگاه مهرآباد و جاهای دیگر بمب پرتاب کرده‌اند. طبعاً لازم بود من سخنرانی‌ام را، که موجب تقویت روحیه کارگران می‌شد، انجام دهم. پس از انجام سخنرانی به سرعت به محل ستاد مشترک رفتم و با بقیه مسؤولان کشور به بحث و بررسی این رویداد غیرمنتظره پرداختیم. در آنجا بحث شد که این مسأله را چگونه به مردم اطلاع دهیم و چه طور به آنان توضیح دهیم که در مقابل جنگی قرار گرفته‌اند که ابعاد و زمان آن مشخص نیست؛ بالأخره تصمیم جمعی بر این شد که من، به عنوان نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع و کسی که هر هفته از طریق نماز جمعه با مردم صحبت می‌کردم و آنها با مطالب و صدایم آشنا بودند، مطالب را با مردم در میان بگذارم. اطلاعیه‌ای تهیه کردم و در رادیو خواندم.^۲

ایشان با وجود اینکه روحانی بود، اندکی پس از آغاز جنگ، لباس نظامی پوشید و در جبهه‌های جنگ جنوب کشور حضور یافت. در واقع پس از کسب موافقت امام خمینی (ره)، از سوی ایشان مأموریت یافت تا عازم جبهه‌های جنگ شود و گزارشی را از وضعیت جبهه‌ها و امکانات پشتیبانی - رزمی نیروهای ایران و منطقه مورد تجاوز نیروهای عراقی تهیه و به سازماندهی نیروها برای مقابله با دشمن کمک کند.^۳ در این راستا وی نیمه دوم سال ۱۳۵۹ و ماه‌های آغازین سال ۱۳۶۰ را در مناطق جنگی جنوب و سپس غرب کشور حضور داشت.^۴

استقرار در اهواز و فعالیت در چهارچوب ستاد جنگ‌های نامنظم

آیت‌الله... خامنه‌ای ابتدا قصد عزیمت به منطقه عملیاتی دزفول را داشت؛ اما پس از کسب اطلاعاتی از اوضاع منطقه و نیازهای بیشتر منطقه اهواز و عملیات‌های نامنظم و ضرورت پشتیبانی جبهه‌های خرمشهر از اهواز، در لشکر ۹۲ اهواز مستقر شد. ایشان در مصاحبه‌ای که با تهیه‌کنندگان مجموعه تلویزیونی روایت فتح انجام داده، جزئیات اقدامات خود و برخی

اولین حضور ثبت شده
آیت‌الله... خامنه‌ای در رابطه با
دفاع مقدس، شرکت در اولین
جلسه مسئولان سیاسی و
نظامی کشور در اتاق
فرماندهی ستاد مشترک ارتش
در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بود

«بسم... الرحمن الرحيم

۱۳۵۹/۲/۲۰

جناب حجت الاسلام آقای حاج سیدعلی خامنه‌ای - دامت افاضاته - برای تشکیل شورای عالی دفاع ملی بر مبنای اصل یک صد و ده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جناب عالی به عنوان مشاور از طرف اینجانب منصوب می‌شوید و در این موقع، چون در وضع استثنایی هستیم، لازم است هر هفته با بررسی کامل و با کمال دقت رویدادهای داخلی ادارات مختلف ارتش را برای اینجانب ارسال دارید.

روح... الموسوی الخمينی^۲

شایان ذکر است که این شورا در زمان دولت موقت تشکیل شده بود و مهدی بازرگان رییس آن بود.

پس از آغاز جنگ تحمیلی و ضرورت مدیریت منسجم جنگ و دفاع از کشور، به فرمان امام خمینی (ره) در ۲۰ مهر ۱۳۵۹ شورای عالی دفاع عهده دار کلیه امور جنگ شد:

«بسم... الرحمن الرحيم

نظر به موقعیت استثنایی دفاع از کشور اسلامی و حساسیت فوق العاده آن، تا موقعی که جنگ افزوزان به کار تجاوزگران خود ادامه می‌دهند، مراتب زیر اخطار و مقرر می‌شود:

۱. کلیه امور مربوط به جنگ در تحت نظر شورای عالی دفاع به اضافه یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید اداره شود و این شورا موظف است تمام قوای مسلح را هماهنگ نماید و هیچ گروه و یا شخصی تخلف از ادامه شورای مذکور نباید بکند و در غیاب آقای خامنه‌ای و آقای چمران، دو نفر از نمایندگان، که یکی از آنها رییس مجلس شورای اسلامی است، باید در شورا شرکت کند.

۲. در اداره مناطق جنگی، کلیه نیروها باید از شورای مذکور تبعیت نمایند و تصمیمات در این باره با شورای مذکور است.

۳. تبلیغات مطلقاً، چه رادیو، تلویزیون و یا مطبوعات، باید تحت نظر شورای مذکور باشد و رسانه‌های گروهی و مطبوعات حق پخش مصاحبات و یا نطق‌ها و

می‌دادند، منتها آن روز در رأس ارتش فرماندهی وجود داشت که به شدت مانع از این بود که چیزی جابه‌جا شود و ما با مشکلات زیاد، گاهی چیزی برای برادران سپاهی می‌گرفتیم. البته برای ستاد خود ما جرأت نمی‌کردند ندهند؛ چون من آنجا بودم و آقای چمران هم آنجا بود. من نماینده امام (ره) بودم؛ لذا ما هر چه می‌خواستیم، راحت تهیه می‌کردیم؛ لکن بچه‌های سپاه، به خصوص آنهایی که می‌خواستند به منطقه بروند، در عسرت بودند و یکی از کارهای ما پشتیبانی از اینها بود.»^۳

یکی از اقدامات مهم و مؤثر آیت... خامنه‌ای در

ستاد جنگ‌های نامنظم

شهید چمران، کمک به

شکل‌گیری و اقدامات

نظامی نیروهای نظامی

مردمی؛ مثل: سپاه

پاسداران انقلاب

اسلامی و بسیجیان بود؛

لذا از این رهگذر کمک

زیادی به مردمی شدن

جنگ کردند. بازدید از

مناطق جنگی، حضور در

مناطق جنگی، حتی در

خطوط تماس با دشمن،

و کارهای تبلیغی موجب

تقویت روحیه نیروهای رزمنده می‌گردید. یکی از

مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان انجام سخنرانی در جمع

رزمندگان مناطق و تقویت روحیه آنها بود. حضور

مداوم یک روحانی، که در عین حال یک رجل سیاسی

بود، در جبهه‌ها نمونه‌ای از عمل به شعارها بود.

عهده‌داری امور جنگ توسط شورای عالی دفاع

آیت... خامنه‌ای در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ طی

حکمی از سوی امام خمینی (ره) به همراه مصطفی

چمران به عنوان نمایندگان ایشان در شورای عالی دفاع

ملی تعیین شدند، متن حکم به این شرح است:

اولین اطلاعیه

در مورد شروع جنگ

توسط آیت... خامنه‌ای

تهیه و از رادیو

به اطلاع مردم

رسید

«[شورای عالی دفاع] به مسایل جنگ نظارت می کرد، اخبار جنگ را می گرفت و در خود جلسه شورا تحلیل می کرد. در تشویق فرماندهان و راهنمایی آنها و آگاهی مسوولان امر از رویدادهای جنگ بسیار مؤثر بود. در هماهنگی بین سپاه و ارتش هم خیلی تأثیر داشت و اگر شورای عالی دفاع نبود، مطمئناً ما بسیاری از موفقیت ها را؛ چه در طول جنگ و چه در خود نظام جنگ و چه در مسایل وابسته به جنگ؛ مثل: نگهداری، تحویل و آماده سازی وسایل جنگی، تجهیز نیروها و بسیج عمومی نداشتیم و به این موفقیت ها نمی رسیدیم و بنابراین شورای عالی دفاع موفق بود.»

در مورد کانال های خبری شورای عالی دفاع در رابطه با اخبار جنگ نیز ایشان می گوید: «مطمئن ترین کانال

آیت ا... خامنه ای از سوی امام خمینی (ره)، مأمور شد عازم جبهه های جنگ شود و گزارشی را از وضع جبهه ها و امکانات پشتیبانی - رزمی نیروها تهیه و به سازماندهی آنها کمک کند

خبری ما کانال فرماندهان، ارتشیان و سپاهیان هستند و همان طوری که می دانید رییس ستاد مشترک ارتش و فرمانده سپاه پاسداران عضو شورای عالی دفاع هم هستند که بهترین و مستندترین و

صحیح ترین اخبار و گزارش های جنگ از کانال فرماندهان، ارتشیان و سپاهیان است و همان طوری که می دانید رییس ستاد مشترک ارتش و فرمانده سپاه پاسداران عضو شورای عالی دفاع هم هستند که بهترین و مستندترین و صحیح ترین اخبار و گزارش های جنگ از کانال های نظامی و سلسله مراتب به وسیله این دو نفر به شورا می رسد. یکی [دیگر] از اساسی ترین کانال های خبری ما کانال مشاورت هاست؛ برای مثال: آن زمانی که بنده نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع بودم، دفتری در ستاد مشترک به نام دفتر مشاورت علمی تأسیس کردم؛ چون من نماینده امام (ره) بودم، با یک پرسنل معین و یک وظایف مشخص و ما این وظایف را

نوشته ها را بدون مراجعه و دستور از شورای مذکور ندارند.

۴. سیاست خارجی مربوط به دفاع با شورای مذکور است و کسان دیگر بدون اجازه، حق دخالت ندارند.
۵. کلیه بیان ها و نوشته ها و تبلیغات و پخش اعلامیه ها بدون اجازه مستقیم از شورای مذکور جداً ممنوع است.
۶. دولت، مأمور جلب متخلفین و تحویل آنها به دادگاه های انقلاب است.
۷. دادگاه ها به جرایم حسب وضع دفاعی و انقلابی عمل می کنند.
۸. شورا موظف است در مناطق جنگی نمایندگانی تعیین نماید که به وسیله آنها امور انجام گیرد و موجب تأخیر نشود.

۲۰ مهر ۱۳۵۹ / ذی الحجه ۱۴۰۰،
روح ا... الموسوی الخمينی.^۱

آیت ا... خامنه ای ضمن اینکه نماینده امام (ره) در شورا بود، سخن گو و یکی از اعضای مؤثر شورا نیز بود. که رییس این شورا ابوالحسن بنی صدر، رییس جمهور و فرمانده کل قوا، بود. علت مؤثر بودن ایشان در مباحث و تصمیمات شورا این بود که به صورت مستقیم در جبهه های جنگ حضور داشت و هر هفته صرفاً برای شرکت در جلسه شورا و ایراد خطبه های نماز جمعه به تهران می آمد و بلافاصله به جبهه جنوب بر می گشت. ایشان همواره سعی می کرد در همه و یا اکثر جلسات شورا حضور داشته باشد. این وضعیت از ۲۰ مهر ۱۳۵۹ تا زمان ترورش در ۶ تیر ۱۳۶۰ همواره برقرار بوده است.

آیت ا... خامنه ای در پایان جلسه های عادی و بعضاً جلسه های فوق العاده شورای عالی دفاع، تصمیمات و مباحث غیر محرمانه جلسه را طی مصاحبه ای در اختیار خبرگزاری ها و رسانه های گروهی قرار می داد و به سوالات آنها پاسخ می گفت.^۲ برخی مواقع نیز زمانی که رییس جمهور، نخست وزیر و برخی از اعضای شورا در حال بازدید از مناطق جنگی بودند، جلسه شورا در آن مناطق برگزار می شد.

آیت ا... خامنه ای در تحلیل کارایی شورای عالی دفاع در پیشبرد امور جنگ و ابعاد آن می گوید:

به جا آورد.^{۱۴} از این تاریخ تا واقعه ترور ایشان در ۶ تیر ۱۳۶۰ در مسجد ابوذر تهران، به جز تاریخ‌های ۲۴ بهمن ۱۳۵۹ و اول اسفند ۱۳۵۹، که در رأس یک هیأت تبلیغی به کشور هند سفر کرد، به صورت مستمر همه نمازهای جمعه تهران به امامت ایشان برگزار گردیده است.^{۱۵} تریبون همگانی نماز جمعه وسیله‌ای بود که آیت... خامنه‌ای از آن طریق، موضوعات و مسایل مربوط به جنگ را مورد بررسی قرار می‌داد و ضمن اعلام اخبار دست اول دقیق از جبهه‌های جنگ به مردم و اطلاع‌رسانی در این زمینه و همچنین مشخص کردن تکلیف و وظیفه مردم در قبال جنگ، دیدگاه‌های خود و دیدگاه رسمی دولت را به اطلاع جهانیان می‌رساند. به نمونه‌ای از این نوع صحبت‌ها در خطبه‌های نماز جمعه اشاره می‌شود. ایشان در خطبه مورخ ۲۵ مهر ۱۳۵۹ این چنین می‌گوید:

«گزارشی که به طور مجمل باید از جبهه‌های درگیری در خوزستان به عرض شما برادران و خواهران برسانم، این است که در همه جبهه‌های جنگ، از دزفول تا خرمشهر در تمام مناطق خوزستان که من رفتم و شاهد بودم نمونه‌های شجاعت و فداکاری صدر اسلام دیده می‌شود. جنگ به راستی جنگ اصحاب رسول... (ص) با کفار و مشرکان است. نیروهای اسلام در جبهه دزفول توانستند دشمن را به عقب برانند. در اهواز، دشمنان در ظرف این چند روز راه‌های گوناگونی را برای حمله به شهر اهواز و یا محاصره آن اتخاذ کردند که هر دفعه با مشقت محکم برادران رزمنده روبه‌رو شدند و عقب نشستند. خرمشهر و آبادان با شجاعت و فداکاری از خود دفاع می‌کنند. دشمن تجهیزات خود را به قیمت مزدوری اربابان از آن کسانی که به دستور آنها حرکت می‌کند، می‌جنگد، می‌گیرد؛ اما ما باید خودمان تهیه کنیم. ما باید خودمان روی پای خودمان بایستیم و این کاری است دشوار؛ اما دشواری‌ای است که این ملت امروز دارد آن را با سربلندی تحمل می‌کند.»^{۱۶}

حضور در جبهه آبادان

آیت... خامنه‌ای در خاطراتش از سال اول جنگ مکرر یادآوری می‌کند که بسیار علاقه‌مند بوده که در

انجام می‌دادیم که از جمله آنها خبرگیری از حوادث ارتش از جمله میدان جنگ بود.»^{۱۷}

مشاور نظامی امام خمینی (ره)

یکی از علل عزیمت و حضور آیت... خامنه‌ای در جبهه‌های جنگ، ارائه گزارش مستند و دقیق و دست اول از رخدادها و مسایل گوناگون جنگ به صورت هفتگی به امام خمینی (ره) بود. ایشان به محض بازگشت از جبهه، مستقیم به حضور امام (ره) می‌رسید و گزارش جبهه را ارائه می‌کرد و بعد از آن به کارهای دیگر رسیدگی می‌کرد.^{۱۸} آیت... خامنه‌ای خاطره جالبی نیز از یکی از این دیدارها با امام خمینی (ره) نقل می‌کند: «سال ۵۹ که گاهی به مناطق جنگی می‌رفتم، هر دفعه هفته‌ای یک بار برای نماز جمعه به تهران می‌آمدم و از راه که می‌رسیدم، خدمت امام (ره) می‌رفتم. یک بار که خدمت ایشان رفته بودم، لباس کار سربازی به تنم بود. وقتی سوار هواپیما شدم که به اینجا

بیایم، قبا می‌پوشیدم و عمامه سرم می‌گذاشتم و این لباس هم آن زیر می‌ماند؛ یعنی لباس نداشتم که عوض کنم و همان طوری هم خدمت امام (ره) می‌رفتم. ایشان وقتی که چشمشان به این لباس نظامی افتاد، تعبیری کردند که احتمال می‌دهم در جایی آن را نوشته باشم. اجمالش یادم است. ایشان گفتند: این مایه افتخار است است که یک روحانی، لباس رزم به تنش می‌کند. و این درست است و همان چیزی است که باید باشد.»^{۱۹}

امام خمینی (ره) یک هفته پس از انصراف آیت... منتظری از امامت نماز جمعه تهران در تاریخ ۲۴ دی ۱۳۵۸، طی حکمی آیت... خامنه‌ای را به این سمت منصوب کرد.^{۲۰} وی اولین نماز جمعه را در ۲۸ دی ۱۳۵۸

از اقدامات مهم و مؤثر
آیت... خامنه‌ای در
ستاد جنگ‌های نامنظم
شهید چمران، کمک به
شکل‌گیری و اقدامات نظامی
نیروهای نظامی مردمی؛ مثل:
سپاه پاسداران و بسیج بود



جبهه های مختلف و حتی خطوط تماس با دشمن حضور پیدا کند، تا از سقوط شهرها و مناطقی که در معرض سقوط به دست دشمن بودند، جلوگیری کند؛ البته یکی از مأموریت های مهم ایشان، که بسیار موفقیت آمیز هم بود، تأمین امکانات پشتیبانی و رزمی و ایجاد هماهنگی بین یگان های رزمی سپاه و ارتش و تلاش برای رفع کاستی ها و یا به حداقل رساندن آنها بود. ایشان در مورد حضور در جبهه آبادان می گویند: «من دلم

می خواست بروم آبادان؛ اما نمی شد. تا اینکه یک وقت گفتم: هر طور شده، من باید بروم آبادان؛ و این وقتی بود که حصر آبادان شروع شده بود؛ یعنی دشمن از رودخانه کارون عبور کرده رفته بود به سمت غرب و یک پل را در آنجا گرفته بود و یواش یواش سر پل را توسعه داده بود. طوری شد که جاده اهواز - آبادان بسته شد. من از طریق هوا، با هلی کوپتر، از ماهشهر به جزیره آبادان رفتم.»^{۱۷}

آیت ... خامنه ای پس از ورود به آبادان در جمع نیروهای رزمنده شیرازی ها و تهرانی، سخنرانی نمود؛ سپس از یگان های رزمی و نیروهای سپاهی بازدید کرد. ایشان در مورد وضعیت نیروها و امکانات آنها می گویند: «من یکی دو روز بیشتر در آبادان نبودم و به اهواز برگشتم. وضع آنجا را قابل توجه یافتم؛ یعنی دیدم در عین غربتی که بر همه نیروهای رزمنده ما، در آنجا حاکم بود، شرایط رزمندگان از لحاظ امکانات هم شرایط نامساعدی بود؛ حقیقتاً وضعی بود که انسان غربت جمهوری اسلامی را در آنجا حس می کرد؛ چون نیروهای خیلی کمی در آنجا بودند و تهدید و فشار دشمن، بسیار زیاد و خیلی شدید بود. ما آنجا فقط شش تانک داشتیم که همین آقای اقارب پرست رفته بود از اینجا و آنجا جمع کرده بود و تعمیر کرده بود. این شرایط واقعی ما بود؛ اما روحیه ها در حد اعلی. واقعاً چیز

شگفت آوری بود! دیدن این مناظر برای من خیلی جالب بود. یکی دو روز آنجا بودم و بازدید می کردم و هدفم این بود که هم گزارش دقیقی از آنجا به اصطلاح برای کار خودمان داشته باشم. (وضع منطقه را از نزدیک ببینم و بدانم چه کار باید بکنم؟) و هم اینکه به رزمندگانی که آنجا بودند، خداقوتی بگویم. رفتم به یکایک آنها خداقوتی گفتم. همه جا سخنرانی هایی کردم و با بچه هایی که جمع می شدند حرف می زدم. با بچه های بسیجی عکس های یادگاری گرفتم و برگشتم.»^{۱۸}

قابل پیشگیری بودن سقوط سوسنگرد و خرمشهر

آیت ... خامنه ای معتقد بود، علی رغم همه کاستی ها و کمبود امکانات و سلاح، با اتخاذ تدابیر و تاکتیک های مناسب نظامی می توانستیم جلوی سقوط شهرها، به ویژه خرمشهر و سوسنگرد را بگیریم. «مادر خرمشهر اگر دو گردان زرهی داشتیم، خرمشهر شکست نمی خورد. من در نامه ای که همان روزهای در شرف سقوط خرمشهر برای بنی صدر نوشتم، در آن نامه تصریح کردم که اگر شما دو گردان زرهی یا یک گردان پیاده مکانیزه بدهید، از سقوط خرمشهر جلوگیری می شود؛ اما شما در این کار سستی و سهل انگاری می کنید.»^{۱۹}

و استمداد می‌طلبیدند، توپ می‌خواستند، توپ‌های دورزن می‌خواستند، به اینها جوابی داده نمی‌شد. [بنی صدر] در دزفول بود و دزفول را از نزدیک می‌دید و دیگر نمی‌توانست موقعیت اهواز و آبادان و خرمشهر و سوسنگرد را درست لمس و درک کند و نیازهای شان را بفهمد. ما می‌گفتیم حالا که خرمشهری‌ها این قدر احساس نیاز به تانک می‌کنند، شما یک واحد تانک را بین خرمشهر و شلمچه مستقر کنید، تا دشمن نتواند به شهر حمله کند و آن را تصرف کند. اینها به انواع معاذیر متشبث می‌شدند و می‌گفتند نمی‌شود. اگر در اهواز این امکان بود، قطعاً کمک می‌فرستادم. منتها اهواز خودش وضعیتی مشابه خرمشهر داشت.»^۱

وضعیت سوسنگرد نیز مشابه خرمشهر بود. آیت... خامنه‌ای کاملاً از وضعیت آنجا اطلاع داشت و در جریان مسایل و مشکلات آن منطقه بود. خودش نیز چند بار در سوسنگرد حضور داشت. سوسنگرد در ماه‌های آغازین جنگ چند بار بین نیروهای عراقی و ایرانی دست به دست شد و در مقطعی که توسط نیروهای عراقی اشغال شد، حتی برای آنجا فرماندار عراقی هم انتخاب کردند. آیت... خامنه‌ای در مورد اوضاع سوسنگرد در جریان محاصره عراقی‌ها و وضعیت نیروهای ایرانی مدافع آن می‌گوید: «سوسنگرد دوبار محاصره شد. دفعه اول، که سوسنگرد محاصره شد، بعد از مدتی عراقی‌ها توانستند وارد سوسنگرد بشوند و نیروهای ما را از داخل شهر عقب بزنند. عراقی‌ها برای سوسنگرد فرماندار نیز معین کردند و بعد نیروهای ما رفتند و عراقی‌ها را عقب زدند. من در فاصله این دو محاصره، چند بار سوسنگرد رفتم. نماز جماعت خواندیم و سخنرانی کردم. یک بار نیز شهید مدنی با ما بود.

مدتی بود عراقی‌ها سوسنگرد را به تدریج محاصره می‌کردند. ما تا سوسنگرد رفته بودیم و سوسنگرد را گرفته بودیم؛ اما کمی آن طرف تر از سوسنگرد؛ یعنی محور سوسنگرد - بستان دست عراقی‌ها بود. آن زمان عراقی‌ها با یک نیم دایره از شمال و یک نیم دایره از جنوب کاملاً سوسنگرد را محاصره کردند و نیروهای ما

آیت... خامنه‌ای در جایی دیگر در این رابطه می‌گوید: «من نامه‌ای به آقای بنی صدر نوشتم و در آن اتمام حجت کردم و گفتم که من از کی به شما این مطلب را می‌گفتم و امروز خرمشهر، خونین شهر شده است و هنوز هم سقوط نکرده است که این نامه را نوشتم. این نامه در مرکز اسناد رسمی مجلس شورای اسلامی و همچنین در بایگانی شورای عالی دفاع موجود است. همان وقت سپردم به همه اینجاها که این نامه جزو اسناد تاریخی بماند. گفتم من اتمام حجت می‌کنم و شهر سقوط خواهد کرد و نوشتم این واحدهایی که من می‌گویم، باید بفرستید؛ ولی اعتنایی نشد و در نتیجه، خرمشهر با وجود مقاومت دلیرانه‌ای که عناصر رزمنده داخل مسجد جامع می‌کردند، تاب مقاومت نیاورد.»^۲

در تحلیل علت پیشروی دشمن، آیت... خامنه‌ای آن را ناشی از عدم انسجام نیروهای ایرانی، ضعف فرماندهی بنی صدر، مخالفت وی با نیروهای نظامی و شبه درک صحیح او از

موقعیت مناطق مختلف می‌داند. «جریان به این صورت بود که پس از حرکت وسایل سنگین نیروهای عراقی از شلمچه به سوی خرمشهر و رسیدن آنها به ابتدای شهر و گمرک، نیروهایی که چندان انسجامی نداشتند و از تعدادی پاسدار، نیروهای وابسته به نیروی دریایی (تکاوران) و غیره تشکیل شده بودند، می‌جنگیدند و نیروهای متجاوز را تا شلمچه پس می‌زدند؛ ولی شب که می‌شد، به علت اینکه نیروهای ما تانک و وسایل سنگین نداشتند نمی‌توانستند بمانند و بر می‌گشتند، صبح که می‌شد دوباره می‌دیدند که نیروهای عراقی باز آمده‌اند؛ البته آنها به نیروهای پشتیبانی خود در داخل عراق متکی بودند؛ در حالی که نیروهای ما هر چه فریاد می‌کشیدند

آیت... خامنه‌ای در
۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹
طی حکمی از سوی
امام خمینی (ره) به همراه
مصطفی چمران به عنوان
نمایندگان ایشان در شورای
عالی دفاع ملی تعیین شدند

و علتش هم این است که این تیپ را ما برای کار دیگری می‌خواهیم و برای آن کار به اهواز آوردیم؛ بنابراین اگر بیاید آنجا منهدم خواهد شد و چون احتمال انهدام این تیپ هست و این تیپ را همه ما لازم داریم و تیپ خیلی خوبی است، ما نمی‌خواهیم این تیپ را وارد عملیات فردا بکنیم مگر به امر؛ یعنی اینکه از سوی فرماندهی یک دستور ویژه ای بیاید که برو.

من گفتم این نمی‌شود؛ زیرا که اولاً چرا تیپ منهدم شود و منهدم نخواهد شد (کما اینکه نشد و عملیات فردا نشان داد). به علاوه شما این را برای چه کار می‌خواهید که از سوسنگرد مهم تر باشد؛ و آنکه اگر چنانچه این

تیپ نیاید، عملیات سوسنگرد قطعاً انجام نخواهد گرفت و نیامدن تیپ به معنی تعطیل کردن این عملیات است؛ لذا به هر تقدیری هست بیاید. شما خبر کنید و به آقای بنی صدر هم بگویید دستور را لغو کند تا این تیپ بیاید.»

در نهایت، شهید چمران با بنی صدر صحبت کرد و او را مجاب کرد. آیت‌ا...

آیت‌ا... خامنه‌ای: «فشار دشمن

در آبادان بسیار زیاد بود، ما

آنجا فقط شش تانک داشتیم که

آقای اقرار پرست از اینجا و

آنجا جمع کرده و تعمیر کرده

بود اما روحیه در حد اعلی بود

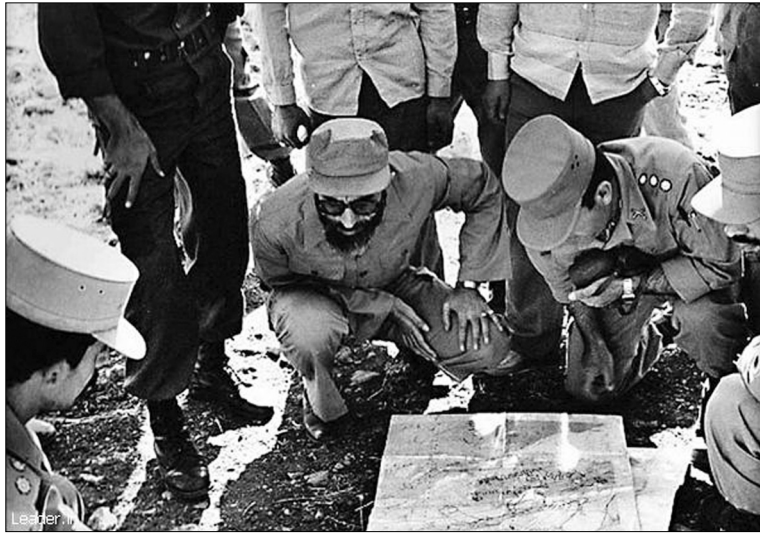
و این واقعاً شگفت‌آور بود»

خامنه‌ای علاوه بر حل این معضل پیش آمده، به عامل دیگری نیز در تحقق فتح سوسنگرد اشاره می‌کند: «در کنار همه اینها یک چیزی که قویاً به کمک ما آمد، پیغام مرحوم اشراقی (داماد امام(ره)) بود که اوایل همان شب از تهران با من تلفنی تماس گرفت و گفت: امام(ره) فرمودند برسید: خبرها چیست؟ من گفتم: خبر این است که قرار بر این است که فردا عملیاتی انجام بگیرد و ظاهراً من یک اظهار تردیدی کرده بودم که دغدغه دارم و ممکن است نشود؛ مگر اینکه امام(ره) دستوری بدهند. ایشان رفت با امام(ره) تماس گرفت و آمد و گفت: امام(ره) فرموده‌اند: تا فردا باید سوسنگرد آزاد شود و تیمسار فلاحی هم خودش باید مباشر عملیات باشد.

فقط یک راه به سوسنگرد داشتند و آن راه کرخه بود. تدریجاً همین راه نیز محاصره شد و زیر آتش قرار گرفت. از نیروهای سپاه و ارتش هم خیلی کم در آنجا بودند. ما که به آنجا رفتیم، یک سرگرد نیروی هوایی به نام فرتاش را به عنوان فرمانده نیروهای مستقر در سوسنگرد انتخاب کردیم؛ یعنی ارتش، سپاه و نیروهای نامنظم - که شهید چمران فرماندهی شان را به عهده داشت - همه اینها تحت فرماندهی سرگرد فرتاش بودند. بنا شد که ایشان آنجا باشد و تعدادی از افراد و افسرهای نیروی هوایی با میل و رغبت خودشان داوطلب شدند و رفتند آنجا مشغول جنگ شدند. مدافعین شهر سوسنگرد همین عده قلیل بودند؛ به علاوه، تعداد کمی از بچه‌های سپاه و تعدادی از بچه‌های ستاد جنگ‌های نامنظم. بچه‌های ما در سوسنگرد راه رفت و آمد نداشتند و آذوقه هم به آنها نرسیده بود.»^{۲۲}

آیت‌ا... خامنه‌ای در فتح سوسنگرد نیز حضور و نقش سرنوشت‌سازی داشته است که جزئیات آن را در خاطراتش چنین بازگو می‌کند: «[شب قبل از فتح سوسنگرد] خیلی شب پر حادثه و خاطره‌انگیزی بود و بالآخره نشستیم تا ساعت مثلاً ۱۱ الی ۱۲ صحبت‌هایمان را کردیم و بعد رفتیم بخوابیم که صبح برای حرکت آماده باشیم. من رفتم خوابیدم. تازه خوابم برده بود که دیدم شهید چمران آمده پشت در اتاق من و محکم می‌زند که فلانی بلند شو، گفتم چه شده است؟ گفت: طرح به هم خورد. پرسیدم چه طور؟ گفت: بله از دزفول خبر دادند که ما تیپ ۲ لشکر ۹۲ را لازم داریم و نمی‌توانیم در اختیار شما بگذاریم و این بدین معنا بود که وقتی نیروی حمله‌ور اصلی گرفته شود، دیگر حمله به کلی تعطیل خواهد شد؛ لذا من خیلی بر آشفته شدم که اینها چرا این کار را می‌کنند و اصلاً معنای این حرکت چیست؟ و این چیزی جز اذیت کردن و ضربه زدن نخواهد بود؛ به هر حال، بلند شدم و به اتاق آمدم، گفتم به فرمانده نیروی دزفول تلفن بکنم، آن وقت تیمسار ظهیرنژاد بود. وقتی به ایشان تلفن کردم که چرا این دستور را دادید و چرا گفتید این تیپ فردا نیاید و وارد عملیات نشود، ایشان گفت: دستور آقای بنی صدر است

کار کنند، تا وقتی آن آقا [بنی صدر] از خواب بیدار شود و به او بگویید و او بخواهد مشورت کند، بالأخره آن امر ساعت ۹ صادر می‌شد و ساعت ۱۱ هم عمل می‌شد که هرگز انجام عملیات موفق نبود. الحمدا... ساعت ۲:۳۰ [بعداظهر] بچه‌های ما مظفر و پیروز وارد سوسنگرد شدند.»^{۳۳}



حضور در جبهه‌های کردستان

آیت... خامنه‌ای در مدت

استقرار در اهواز، از جبهه‌های غرب کشور، به ویژه نوار مرزی کردستان بازدید کرد. در این بازدید چند روزه که در اوایل اردیبهشت ۱۳۶۰ صورت گرفت، با مقامات محلی استان و فرماندهان نظامی غرب کشور، به ویژه لشکر ۲۸ کردستان دیدار و در مورد مسایل جبهه‌های جنگ و وضعیت و مقدمات نبردها گفتگو کرد و به اتفاق از نوار مرزی در مریوان و جاهای دیگر بازدید نمود. آیت... خامنه‌ای پس از پایان مأموریتش گزارش آن را به شورای عالی دفاع و همچنین امام خمینی (ره) ارائه داد. ایشان وضع جبهه‌ها، موقعیت و روحیه رزمندگان را بسیار خوب توصیف کردند و چشم انداز آن را قرین پیروزی در آینده دانستند.^{۳۳} سرتیپ جمالی، یکی از فرماندهان صحنه‌های نبرد غرب کشور، خاطرات خود را از بازدید ایشان از جبهه‌های کردستان به شرح زیر بیان می‌کند: «ازمانی که [به کردستان آمدند، کردستان وضع مناسبی نداشت. هجوم عراق، توطئه تهاجم ضد انقلاب و خطر مین گذاری و ناامنی‌های جاده‌ای و پروازی را ایجاد کرده بود. پادگان مریوان هم زیر توپ ۱۳۰ [میلیمتری] دشمن و هم زیر خمپاره ضد انقلاب بود. این حالات وضعیتی را به وجود آورده بود که انسان احساس غربت می‌کرد و چیزی که انسان را از این غربت درمی‌آورد و روحیه می‌بخشید، حضور یک

وقتی این مسأله پیش آمد، دیدم حالا وقت آن است که این پیغام را الآن برسانیم؛ لذا نشستم دو تا نامه نوشتم؛ یکی ۱:۳۰ بعد از نیمه شب و یکی دیگر هم ساعت ۲ و آن را، که ساعت ۲ نوشتم، به آقای سرهنگ قاسمی فرمانده لشکر ۹۲ [اهواز] نوشتم و نوشتم که داماد حضرت امام (ره) از قول حضرت امام (ره) پیغام دادند که فردا باید حصر سوسنگرد شکسته شود و راه سوسنگرد باز شود؛ بنابراین اگر تیپ ۲ نباشد، این کار عملی نخواهد شد و نامه ساعت ۲ را هم به تیمسار فلاحی نوشتم و برای او هم همین تفصیل و پیغام را از قول امام (ره) ذکر کردم. بعد هر دو نامه را به شهید چمران دادم، گفتم: شما هم یک چیزی ضمیمه آنها بنویسید تا نظر هر دوی ما باشد. ایشان هم پای هر کدام یک شرح دردمندانه‌ای نوشت؛ اما دغدغه داشتیم، چون بارها اتفاق افتاده بود که کار تا لحظات آخر به یک جایی می‌رسید؛ اما به دلیلی دستور توقف آن داده می‌شد و برای همین بود که دغدغه داشتیم؛ به هر حال صبح زود که از خواب بلند شدم برای نماز، در صدد برآمدن بینم وضع چه طور است که دیدم الحمدا... وضع خوب است و شنیدم ساعت ۵، تیپ ۲ از خط عبور کرده، معلوم بود همان نامه‌ای که نوشته شد، اینها مشغول شده بودند؛ یعنی ساعت ۵ [بامداد] تیپ ۲ از خط عبور کرده بود و اگر چنانچه بنا به امر می‌خواستند

این بود که چرا سپاه سازماندهی نمی‌کند و تیپ تشکیل نمی‌دهد؟ و در آن روز ما فکر نمی‌کردیم سپاه بتواند تیپ تشکیل بدهد. واقعاً از نیروهای سپاه در آن وقت به درستی استفاده نمی‌شد و این نیرو هدر می‌رفت، که یک مشکلی بود.»

ایشان در مورد مشکل دیگر سپاه، یعنی در اختیار نداشتن تجهیزات نظامی، می‌گوید: «یکی از دردهای بزرگ سپاه در آن روز، نداشتن تجهیزات بود و این را لااقل می‌توانست تأمین کند؛ ولی هر دفعه که برای یک چیز کوچکی اینها مراجعه می‌کردند، با تشریفی مواجه می‌شدند. من فراموش نمی‌کنم که گاهی برای تهیه پنجاه تا «آر.پی.جی»

یک قصه‌ای درست می‌شد. خمپاره را فرض کنید و یا تفنگ‌های انفرادی و یا انواع گلوله‌ها و فشنگ‌ها را هم به اینها نمی‌دادند. حالا دیگر پشتیبانی توپخانه که هیچ، چون اگر یک وقتی اگر گفته می‌شد بچه‌های سپاه دارند می‌روند جلو، توپخانه لشکر آنان را پشتیبانی می‌کند، این

اصلاً قابل قبول نبود و اگر فرضاً انجام می‌گرفت، یک معجزه به حساب می‌آمد و اگر یک وقتی دو تا خمپاره انداز به سپاه داده می‌شد، یک حادثه به شمار می‌رفت که از جمله در همین دارخوین یادم هست برادرانمان آمدند چند تا خمپاره می‌خواستند و من رفتم ترتیب آن را دادم تا درست شد.»^{۲۶}

آیت... خامنه‌ای بخشی از مشکلات را نیز ناشی از سوء نیت نمی‌داند و معتقد است که سلسله مراتب ارتش، جا نیفتادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جایگاه آن برای ارتشی‌ها و عدم آمادگی اولیه سپاه را در این رفتار ارتشی‌ها مؤثر می‌داند: «اگر پافشاری امام (ره) و در راستای آن اصرارهای ما نبود، حتی این امکانات

شخصیت معنوی و قویدل بود. مقام معظم رهبری، وقتی از وضعیت منطقه مطلع شدند، در شهر مریوان حضور یافتند و پس از ملاقات با فرماندهان و مسوولان شهر، به سمت ارتفاعات قوچ سلطان که مشرف بر مرز عراق بود، حرکت کردند. عراقی‌ها که متوجه حضور ایشان شده بودند، شروع به تیراندازی کردند و چندین بار با اختلاف چند دقیقه موضع و محلی را که ایشان بودند، بمباران کردند. صبح روز بعد محور دزلی را برای بازدید انتخاب کردند و در مقابل اصرار دیگران، که منطقه را برای بازدید خطرناک می‌دیدند، فرمودند: نه! من می‌خواهم مناطق خط مقدم و بچه‌ها را ببینم. بعضی از سنگرهای نگهبانی را، که در جاهای بلندتری بود، پیاده سرکشی کردند.»^{۲۵}

تلاش برای شکل‌گیری و انسجام نیروهای نظامی مردمی و انقلابی

شکل‌گیری نیروهای نظامی مردمی، به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آن فضای سیاسی چالشی سال‌های اول انقلاب، به صورت کُند و بطئی بود؛ به خصوص، در زمانی که بنی‌صدر فرمانده کل قوا بود از سوی وی فرصتی برای انسجام و اقتدار آنها داده نمی‌شد. او همواره از تخصص صحبت می‌کرد و تنها نیروی متخصص نظامی را ارتش می‌دانست.

از مشکلات اساسی سپاه در اوایل جنگ تحمیلی، نبود سازمان رزمی و تجهیزات نظامی بود؛ لذا آیت... خامنه‌ای زمانی که در جبهه‌های جنوب با مرکزیت اهواز حضور داشت، کمک فراوانی نمود تا تیپ‌های رزمی سپاه تشکیل شود: «آن روز سپاه یک سازمان رزمی را که آماده جنگ باشد، نداشت و اصلاً سازماندهی نداشت. چون اولین بار ما در اهواز نشستیم و طرح تیپ‌های سپاه را ریختیم و در آن جلسه‌ای که با این منظور تشکیل شده بود، من هم شرکت کردم. عده‌ای از برادران سپاه از تهران و اهواز و از منطقه آنجا جمع بودند که ما را آنجا خواستند برای اینکه یک فکری برای کارهای جاری بکنیم. من در آنجا چند سؤال را مطرح کردم که در حقیقت، سؤال‌های من پیشنهاد بود. من در آنجا یک مطالبی را مطرح کردم که خلاصه‌اش

آیت... خامنه‌ای: «علی‌رغم

همه کاستی‌ها و کمبود

امکانات و سلاح، با اتخاذ

تدابیر و تاکتیک‌های مناسب

نظامی می‌توانستیم جلوی

سقوط شهرها، به ویژه خرمشهر

و سوسنگرد را بگیریم»

شد، متضمن یک جمله‌ای بود که آن جمله را قهرراً عراق قبول نمی‌کرد و آن جمله این بود که متجاوز تا در خاک ماست، حق پیشنهاد مذاکره ندارد. باید از خاک ما بیرون برود تا بعد معلوم شود که آیا مذاکره خواهیم کرد یا نه.» ایشان در مورد تحلیل خود از رفت و آمد هیأت‌های صلح می‌گوید: «من شخصاً به هیأت‌های صلح هیچگاه خوشبین نبوده‌ام و هرگز فکر نمی‌کنم که اینها واقعاً برای اینکه صلح به عنوان یک ارزش در منطقه مستقر شود می‌آیند. همیشه ورای کوشش‌ها و اصرارهای اینها انگیزه‌های استعماری - استکباری را مشاهده کرده‌ام. دلیل من هم این است که در این مذاکرات اینها از قبول واضح‌ترین حقایق خودداری می‌کردند. حتی ما در آن هیأتی که از سوی کنفرانس اسلامی آمده بودند، سکوت‌توره سخنگویشان بود، با اصرار زیادی مسأله تجاوز را مطرح می‌کردیم و او در پاسخ ما می‌گفت که: عدل مطلق هرگز در دنیا پیش نمی‌آید. گویا به ما می‌خواست بگوید که شما بالأخره یک مقدار ظلم را تحمل کنید، مقداری تجاوز را تحمل کنید.»^{۳۰}

تعامل و تقابل با بنی صدر

آیت... خامنه‌ای و ابوالحسن بنی صدر هر کدام متعلق به یک جریان فکری متفاوت در درون ساختار رسمی سیاسی کشور بودند؛ اما در رابطه با جنگ، شورای عالی دفاع و قبل از جنگ نیز در شورای انقلاب همزمان حضور و فعالیت مشترک داشته‌اند؛ اما بررسی مذاکرات شورا و شورای عالی دفاع نشان می‌دهد که از ابتدای پیروزی انقلاب در رخدادها و مسایل گوناگون کشور، دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متعارض داشته‌اند. در موضوع جنگ و دفاع مقدس نیز در برخی موارد چنین بوده است. بنی صدر، رئیس جمهور، فرمانده کل قوا و رئیس شورای عالی دفاع بود و آیت... خامنه‌ای نیز نماینده امام(ره) در شورا و مشاور نظامی ایشان در امور جنگ بود.

آیت... خامنه‌ای در بسیاری موارد از اختلاف به علت توصیه‌های مسوولین ارشد کشور به همدلی و وحدت نظر و عمل، به ویژه در شرایط جنگی کشور، از مخالفت آشکار، به ویژه در سخنرانی‌ها و غیره پرهیز

معمولی نیز به بچه‌های ما نمی‌رسید؛ البته به جز در موارد اندک، سوء نیتی در کار نبود؛ بلکه روال معمولی کار در ارتش طوری نبود که بشود تجهیزاتی را از فلان انبار در بیاورند و به سپاه بدهند، بدون اینکه سپاه جزو ارتش باشد. در آن زمان سپاه جا نیفتاده بود و سپاه را جدی نمی‌گرفتند. این را هم اضافه کنم که سپاه آمادگی کنونی را نداشت.»^{۳۱}

عدم پذیرش صلح تحمیلی

از روزها و ماه‌های اول جنگ تحمیلی موضوع صلح نیز مطرح شد و هیأت‌های حسن نیت صلح از سوی کشورها و سازمان‌های مختلفی بدان منظور به کشورهای ایران و عراق رفت و آمد نمودند. این موضوع در ایران در قالب شورای عالی دفاع مورد بررسی قرار می‌گرفت.^{۳۲} امام خمینی(ره) اعضای شورای عالی دفاع و سایر مسوولین کشور با رفت و آمد آن هیأت‌ها با این مبنا که موجب تنویر افکار عمومی جهانیان و آگاهی آنها از متجاوز

آیت... خامنه‌ای، رویکرد عقیدتی و ایدئولوژیک به جنگ را نیز مد نظر داشت؛ و دلیل اصلی اختلافش با بنی صدر و همفکران او نیز از این دیدگاه نشأت می‌گرفت

بودن عراق در جنگ می‌شود، موافق بودند ولی هرگز صلح تحمیلی و غیر عادلانه را نمی‌پذیرفتند.^{۳۳}

آیت... خامنه‌ای که نماینده امام(ره) در شورا و سخنگوی آن بود در این باره می‌گوید: «میانجی‌های صلح یکی بعد از دیگری آمدند و رفتند؛ البته وقتی که میانجی‌ها می‌آمدند، بعضی از عناصری که در شورای عالی دفاع شرکت داشتند و روحاً خیلی انقلابی فکر نمی‌کردند، حالشان تغییر می‌کرد و پایشان شل می‌شد و می‌گفتند؛ وسایل نداریم. صلح به دهنشان مزه می‌کرد. بعضی از عوامل داخل شورای عالی دفاع می‌گفتند: نه! او قرص و محکم همان حرف آخر را اول می‌زدند؛ لذا در شورای عالی دفاع پاسخی که به همه این هیأت‌ها داده

روزها تحرکی در جبهه نبود. وقتی رسیدیم آنجا آقای بنی صدر هم دو یا سه ساعتی قبل از ما رسیده بود و ما فهمیدیم که در تدارک حمله هستند که به عنوان خوش خبری به ما خبر دادند که فردا صبح حمله است. ما هم خوشحال شدیم که عملیات هست و ما قصد داشتیم بپرسیم آیا عملیات را شروع می کنند و یا اگر نمی کنند به چه علت و به چه دلیل؟ ولی فهمیدیم که همه چیز آماده است و فردا حمله خواهد بود. ما هم در انتظار بودیم که پیروزی بزرگی نصیبشان شود. ما گفتیم: حالا که در ابتدای امر می خواهد حمله شروع شود، خوب است همه فرماندهان با شورای عالی دفاع اینجا

باشیم تا موجب خوشحالی و دلگرمی رزمندگان بشود و قرار بر این شد؛ ولی ما را خبر نکردند که جنگ و عملیات شروع شده و دیگر از وقتش گذشته بود. ما هم گفتیم خیر است ان شاء...؛ تا اینکه ساعت ده شد و مرتب خبر می رسید که داریم پیش می رویم. وقتی ساعت حدود ده شد خبر آوردند که نیروهای ما با

یکی از محورهای مهم اختلاف بین آیت... خامنه ای و بنی صدر در رابطه با جنگ، در مورد اجرای عملیات های نظامی مشترک توسط نیروهای نظامی مردمی، به ویژه سپاه با ارتش بود

مقاومت سخت دشمن مواجه هستند و بعد از آن خبر رسید که آنها به شدت مقاومت می کنند و تا ظهر این جور به ما خبر داده می شد که درگیر هستند، تا اینکه ظهر شد و نماز را خواندیم و من و شهید رجایی و آقای رفسنجانی در اتاق نشسته بودیم و داشتیم در مورد جنگ صحبت می کردیم. آقای بنی صدر هم طبق معمول در اتاق خودش؛ یعنی در یک اتاق جدا با فرماندهان دیگر بودند که یک وقت برادران آمدند و خبر دادند که ما در عملیات شکست خوردیم؛ اما آن بخشی از این خاطره قابل توجه است که بعد از وقوع این حادثه در نامه ای آقای بنی صدر در پاسخ نامه ای که من برایش فرستاده بودم، اشاره به این حمله و ناکام شدن این حمله می کرد

می کرد و سعی می کرد از راه حل های دیگری استفاده کند؛ اما بنی صدر طبق رویه ای که داشت، موافقت و مخالفت خود را بدون در نظر گرفتن توصیه های امام خمینی (ره) در هر موقعیتی که مدنظرش بود، اعلام می کرد.

یکی از محورهای مهم اختلاف بین آیت... خامنه ای و بنی صدر در رابطه با جنگ، در مورد اجرای عملیات های نظامی مشترک نیروهای نظامی مردمی، به ویژه سپاه و ارتش بود. بنی صدر فقط ارتش را به عنوان نیروی متخصص نظامی قبول داشت و با شکل گیری و اقتدار نیروهای نظامی مردمی مخالف بود و اجازه عملیات نظامی مستقل نیز به آنها نمی داد و اگر تحت فشار مسؤلین با آن موافقت می کرد و مجوز عملیات صادر می کرد، از نظر امکانات و پشتیبانی، حمایت لازم را نمی کرد و عملیات را در وضع دشواری قرار می داد.^{۳۳} بنی صدر در مقابل اعتراض نیروهای اصول گرا و مکتبی همواره می گفت: «فرد مکتبی که تخصص یک کار را نداشته باشد، نمی تواند و نباید کار را بپذیرد.»^{۳۳} اما آیت... خامنه ای، همچنین رویکرد عقیدتی و ایدئولوژیک به جنگ را نیز مد نظر داشت؛ و دلیل اصلی اختلافش با بنی صدر و همفکران او نیز از این دیدگاه وی نشأت می گرفت و موضوع اختلاف فردی به هیچ وجه مطرح نبود. آیت... خامنه ای بنی صدر را نماینده یک جریان می دانست. ایشان در خطبه های نماز جمعه در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۶۰ در این باره گفت: «نکته دیگر این است که امام (ره) به آن تکیه کرده اند. امام (ره) عقیده شان این است که یک جریانی که به اسلام و پیاده کردن قوانین اسلامی باور ندارد، در کار مبارزه با خط اصلی انقلاب است. تمام افرادی که این خصوصیت را دارند، زیر پرچم آقای بنی صدر جمع شده اند.»^{۳۳}

بر مبنای مطالب ذکر شده، تلخ ترین خاطرات و تجربه آیت... خامنه ای در رابطه با جنگ نیز ناشی از عملکرد و تفکر بنی صدر می باشد: «یک روز رفتیم دزفول و چون جلسه شورای عالی دفاع در دزفول تشکیل می شد؛ یعنی هفته ای دو بار که جلسه تشکیل می شد، یک بار در تهران و یک بار در دزفول بود و در آن



و آن را به حساب کسانسی می گذاشت که با آنها طرف حساب سیاسی بود؛ یعنی در کشاکش مبارزات سیاسی خودش از ناکامی این حمله سوء استفاده می کرد که من نامه اش را جواب دادم و مشروحاً با قید ساعت و زمان ثابت کردم که اگر تقصیر کسی هست، کسانسی که شما اسم می برید، مقصر نیستند؛ بلکه مقصر خود شما هستید.»^{۳۴}

آیت... خامنه‌ای در تحلیلی از روند جنگ در دوره قبل و بعد از عزل بنی صدر می گوید: «کلاً تا قبل از عملیات ثامن الائمه

عملیات‌ها غالباً موفق نبوده است و شاید یک یا دو عملیات را بتوان نشان داد که تا حدودی موفق بود و علتش هم این است که تا قبل از عملیات ثامن الائمه نیروهای مردمی به کار گرفته نمی شد؛ یعنی از بسیج و سپاه در عملیات به صورت کامل خبری نبود و سپاه امکانات نداشت و گذشته از این، مسوولان نظامی حاضر نبودند حتی سپاه را در حیطه کار نظامی راه بدهند و لذا یکی از درگیرهای ما با بنی صدر همین مسأله بود. نیروهای محدود ارتش هم طبیعی بود که با فرماندهی مثل بنی صدر، شانس موفقیت بسیار کمی را داشت و عملاً موفق نبودند.»^{۳۵}

آیت... خامنه‌ای در جای دیگری نیز طی تحلیلی از نقش بنی صدر در جنگ و شورای عالی دفاع می گوید: «یکی از مهمترین مشکلات [جنگ] وجود بنی صدر بود. بنی صدر واقعاً کار جنگ را خراب می کرد. چهار نفر نظامی به عنوان مشاور، دورش نشسته بودند و به او خط می دادند و او نیز در جلسات شورای دفاع همان خط را تعقیب می کرد. برادران نظامی، که در شورا بودند، طبق همان سنت‌های نظامی با ایشان درگیر نمی شدند و ما نیز که با او مقابله می کردیم، متهم شدیم به اینکه نظامی نیستیم و چرا دخالت می کنیم. واقعاً وقتی در جلسات شورای عالی دفاع می نشستیم، این جلسات، جلسات

جنگ اعصاب بود و وضع سیاسی داخلی ما به تبع این اختلافات وضع بحرانی داشت.»^{۳۶}

در تحلیل نهایی می توان گفت که: آیت... خامنه‌ای با بنی صدر در امور جنگ، اختلاف نظر حل نشدنی داشت و تا زمان برکناری، بنی صدر در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ هیچگاه از مقام فرماندهی کل قوا برطرف نشد و گذشت زمان ثابت کرد سیاست و تفکر بنی صدر در امور نظامی و فرماندهی کل قوا صحیح نبوده و عملیات‌های پس از عزل وی که با همکاری سپاه و بسیج و ارتش صورت گرفت، اکثراً با پیروزی و موفقیت همراه بوده است.

نتیجه گیری

آیت... خامنه‌ای در حالی که یک روحانی بود و نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و همچنین از اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بود و صاحب سایر نقش‌های با اهمیت برای نظام جمهوری اسلامی بود، از ساعات اولیه جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، در جریان دفاع مقدس قرار گرفت و به سهم خود سعی فراوان در دفع تجاوز و شکست دشمن در اجرای مأموریت استکباری خود نمود. ایشان با جلب نظر موافق امام خمینی (ره) در هفته اول جنگ، راهی جبهه‌های

یادداشت‌ها

۱. خاطره‌ها، محمد مهدی ری شهری، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۳، صص ۱۹۲-۱۹۱.
۲. خاطرات ماندگار (مجموعه خاطرات پخش شده از رادیو معارف)، به کوشش احمد اسفندیاری، قم: مشهور، ۱۳۸۴، ص ۱۲.
۳. همان، صص ۱۱-۱۲.
۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۳۸۷ (۱۳ مهر ۱۳۵۹)، ص ۱.
۵. مصاحبه‌ها؛ مجموعه مصاحبه‌های حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای رییس جمهور اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، به کوشش مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سروش، ۱۳۶۶، صص ۷-۸.
۶. خاطرات و حکایت‌ها، ج ۱۰، به کوشش مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران: ۱۳۸۳، صص ۷-۲۰ [مصاحبه آیت‌ا... خامنه‌ای با تهیه‌کنندگان مجموعه «روایت فتح، ۱۱ شهریور ۱۳۷۲»].
۷. صحیفه امام، ج ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ص ۲۸۱.
۸. همان، ج ۱۳، صص ۲۶۴-۲۶۳.
۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۴۰۹ (۱۰ آبان ۱۳۵۹)، ص ۶؛ همان، ش ۴۱۰ (۱۱ آبان ۱۳۵۹)، ص ۱۲؛ همان، ش ۵۰۹ (۱۴ اسفند ۱۳۵۹)، ص ۲؛ همان، ش ۵۴۶ (۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۰)، ص ۲.
۱۰. مصاحبه‌ها، همان، صص ۸-۹.
۱۱. اکبر هاشمی رفسنجانی، انقلاب در بحران، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۵۹، به کوشش عباس بشیری، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲.
۱۲. جرعه‌نوش کوثر، زندگینامه مقام معظم رهبری، به کوشش مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران: ج دوازدهم، ۱۳۸۴، صص ۱۷۷-۱۷۸.
۱۳. صحیفه امام، ج ۱۲، همان، ص ۱۱۶.
۱۴. در مکتب جمعه، مجموعه خطبه‌های نماز جمعه تهران، ج ۲، به کوشش مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱-۳.
۱۵. همان، ج ۲ و ۳، اکثر صفحات.
۱۶. همان ج ۲، ص ۳۵۰.
۱۷. خاطرات و حکایت‌ها، ج ۱، همان، صص ۱۵-۱۲.
۱۸. همان، صص ۱۸-۱۶.
۱۹. مصاحبه‌ها (مجموعه مصاحبه‌های آیت‌ا... خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری ۱۳۶۳-۱۳۶۴)، به کوشش سازمان مدارک

جنگ جنوب به مرکزیت اهواز شد و دیری نگذشت که حتی لباس نظامی به تن کرد و در خط مقدم نبرد و در موارد متعددی در خطوط تماس با دشمن حضور یافت. وی ضمن تهیه گزارش‌های دقیق و دست اول از اوضاع و تحولات جبهه‌های جنگ برای امام خمینی (ره) به عنوان مشاور نظامی ایشان و برای شورای عالی دفاع به عنوان نماینده امام (ره) در آن شورا، موجبات رفع کاستی‌ها و نیازمندی‌های نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم تأسیس شده توسط شهید مصطفی چمران و همچنین شکل‌گیری و اقتداریابی نیروهای نظامی مردمی، بسیجی و سپاه پاسداران را فراهم آورد. ایشان توانست با استفاده از جایگاه نمایندگی و مشاور امام خمینی (ره) به مقاومت در مقابل دشمن شکل تازه‌ای بدهد و در دفاع و دفع تجاوز از همه نیروهای ارتشی و مردمی سهیم شدند. عملیات پیروزمندانه ثامن الائمه (ع) و سایر عملیات‌های پس از برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، صحیح بودن نظر و تأکیدهای عملی ایشان را اثبات نمود.

آیت‌ا... خامنه‌ای علت اصلی شکست و سقوط مناطق جنوب و غرب کشور به دست دشمن را ناشی از عدم انسجام، نداشتن اطلاع فرماندهان از مقدرات نظامی و تفرقه و تشتت نیروهای دانشی؛ بر این اساس، تلاش خستگی‌ناپذیری را برای ایجاد یکپارچگی و هماهنگی بین نیروهای مردمی و ارتش انجام داد. وی با حضور و بازدیدهایی که از جبهه‌های گوناگون جنوب و غرب از جمله: اهواز، آبادان، سوسنگرد، دزفول و کردستان و غیره انجام داد و همچنین با سخنرانی‌های تأثیرگذاری که در جمع پرسنل نظامی و رزمندگان جبهه‌های مختلف ایراد نمود، موجبات افزایش تقویت روحیه و انسجام آنها برای دفاع از کشور و عقب راندن دشمن را فراهم آورد. از تریبون همگانی نماز جمعه نیز این نقش را برای مردم سراسر کشور بازی کرد. در شورای عالی دفاع نیز در کنار چند عضو دیگری که در خط امام (ره) داشتند، موجب ایجاد تعادل در تصمیم‌گیری‌ها و جلوگیری از تسلط جریان فکری و سیاسی جبهه مقابل به نمایندگی بنی‌صدر را فراهم آورد.

- فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۵۹.
۲۰. روزنامه کیهان، ش ۱۱۳۹۵ (۷ مهر ۱۳۶۰)، ص ۱۶.
۲۱. روزنامه آفرینش، ش ۲۹ (۲ مهر ۱۳۷۶)، ص ۷.
۲۲. خاطرات ماندگار، همان، صص ۳۸-۳۹.
۲۳. مصاحبه‌ها، ۱۳۶۳-۱۳۶۴، همان، صص ۸۵-۸۰.
۲۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۵۴۶ (۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۰)، ص ۲.
۲۵. روزنامه جرعه‌نوش کوثر، همان، صص ۱۷۹-۱۷۸.
۲۶. خاطرات جبهه (مصاحبه با آیت‌ا... خامنه‌ای)، جمهوری اسلامی، ش ۱۵۴۶ (۸ مهر ۱۳۶۳)، ص ۱۰.
۲۷. خاطرات ماندگار، همان، ص ۱۹.
۲۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۵۲۵ (۱۱ فروردین ۱۳۶۰)، ص ۱۰.
۲۹. اکبر هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌ها، سال ۱۳۶۱، به کوشش محسن هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰، صص ۶۲-۶۳.
۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۶۶۸ (۲ مهر ۱۳۶۰)، ص ۱۲.
۳۱. علی بنی‌لوحی، هادی مرادپیری و محسن محمدی معین، نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ج دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸؛ محمد درودیان، جنگ؛ بازیابی ثبات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۹۳.
۳۲. ابوالحسن بنی‌صدر، روزها بر رئیس‌جمهور چگونه می‌گذرد؟، ج ۱، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، صص ۴۲-۴۳.
۳۳. در مکتب جمعه، ج ۳، همان ۲۶۰-۲۴۹.
۳۴. مصاحبه‌ها، ۱۳۶۱-۱۳۶۲، همان، صص ۹-۸.
۳۵. علی بنی‌لوحی و دیگران، همان، ص ۳۲.
۳۶. خاطرات ماندگار، همان، ص ۲۰.